

انقلاب مشروطه
برای تحقق
نوسازی تجدید
در قوانین و
شیوه زندگی
روزآمد فرصتی
بیشتر در اختیار
مردم گذاشت.

نمایندگان مجلس
در باره بهداشت
و مشکلات
درمان و شیوع
بیماری‌ها به
گفت‌وگو نشستند
و به نتایجی
امیدوارکننده
دست یافتند.
یک‌دهم مالیات
نواقل به بهداشت
شهرها و قرنطینه و
واکسیناسیون آبله
و دیفتری و تربیت
مأمور صحتی و...
اختصاص یافت.

که در هر ولایت به جمیع اطفال خود را مردم بیاورند و آبله‌شان را بگویند و از تشویش هلاکت و عیب آسوده گردند». در مدرسه دارالفنون که این یکی نیز از اقدامات امیرکبیر بود، مجالسی برای یافتن راه‌های برون‌رفت از بحران‌های بیماری و مشکلات ناشی از کمبود امکانات بهداشتی برگزار می‌شد. «در این اوقات محض سلامت انفاص خلائق امر و مقرر فرمودند که هر هفته یک روز اطبای خاصه مبارکه دارالفنون اجلاس نموده در امورات متعلقه به ابدان مشورت و گفت‌وگو نمایند و به تدبیرات کافیه دفع امراض مختلفه بکنند، در هفته اول حضرات اطبای معتبر که از اجتماع و انعقاد این مجلس خبر دارند، حاضر بودند... از پاک‌ی کوچه‌ها و نظافت شهر گفت‌وگو کردند».

آموزش و افزایش سواد سلامت

باتوجه به سطح دانش، عامه مردم در سال‌های نخست از تلقیح واکسن و سرم به عنوان عامل پیشگیری بیماری وحشت داشته و از قبول این‌که به عمد ویروس بیماری را وارد بدن خود و کودکان‌شان کنند، سرباز می‌زدند. بسیاری اعتقاد داشتند تزریق واکسن و مایه کوبی موجب انتشار و ابتلا به بیماری سفلیس، خنایز و تی‌فوس می‌شود. ادوارد پولاک، طبیب دربار، نیز اگرچه این شایعات را تکذیب کرد اما در عین حال پیشنهاد می‌کرد مایه آبله از کودکان روستایی تن درست و دارای تبار سالم گرفته شود تا تردیدی بر این موضوع باقی نگذارد. پولاک به درستی معتقد بود که با تلقیح واکسن می‌توان هم از کاهش جمعیت بر اثر مرگ و میر و هم از تعداد بیماران چشم و نابینایان که در اثر آبله به این روز افتاده و سربار جامعه شده‌اند، جلوگیری کرد.^۷ اما شایعات فراوان در باره خطرات آبله کوبی و مقاومت مردم در مقابل روش درمانی تهاجمی که به آن اعتماد نداشتند، هم چنان مانعی بر این روش پیشگیری از بیماری بود؛ بنابراین آموزش کافی و مناسب برای نهادینه شدن واکسیناسیون به عنوان یک اقدام پیشگیرانه بسیار ضروری به نظر می‌رسید. این آموزش از طریق اطلاع‌رسانی به مردم توسط روزنامه‌ها به عنوان مهم‌ترین رسانه جمعی انجام می‌شد. برخی روزنامه‌ها اخبار بیماری‌ها و مسائل بهداشتی و شیوه‌های مقابله با بیماری‌های مسری را در اختیار خواننده می‌گذاشتند. از جمله روزنامه «وقایع اتفاقیه» که به عنوان مهم‌ترین روزنامه حکومتی در این سال‌ها نقش پررنگی در آگاه‌سازی مردم در زمینه آبله کوبی و سواد سلامت جامعه داشت.^۸ روزنامه «ایران نو» نیز بخشی از محتوای روزنامه را به حفظ الصحه اختصاص داده و به نظافت شهر،^۹ ابتلا و درمان بیماری سل،^{۱۰} و با و بیماری‌های شایع دیگر و شیوه درمان آن‌ها می‌پرداخت.^{۱۱} اگرچه استفاده از روزنامه به عنوان رسانه جمعی کارآمد بود اما نباید فراموش کرد که با سوادان دوره قاجار جامعه آماری بسیار کوچکی را تشکیل می‌دادند. سواد بیش‌تر به طبقه دیوان سالاران و تجار و کسبه اختصاص داشت. با توجه به ضرورت اقتصاد کشاورزی اکثریت جامعه در روستا و بدون سواد بودند. فقط در دهه‌های آغازین حکومت پهلوی بود که سواد ابتدایی اجباری شد و جمعیت روزنامه‌خوان اکثریت نسبی یافتند؛ بنابراین نشر اخبار و توصیه‌های بهداشتی و قوانین در روزنامه‌ها خواننده زیادی نداشت و به کندی موجب آگاهی بخشی به عموم جامعه می‌شد. سرعت اشاعه بیماری‌ها و خدمات واکسیناسیون بسیار بیشتر از توسعه آگاهی و سواد سلامت بود.